

فهرست

سرخن

آسیب‌شناسی مقاله‌نویسی، چاپ، تجدید چاپ، نشر و توزیع کتاب (۲۵)..... ۳-۴

جستار

حکم آستانه شیخ ابواسحاق کازرونی (۸۲۶ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۵-۹

کریم خراسان کیست؟ / سید علی میرافضلی ۱۰-۱۱

زندگی‌نامه منظوم عبدالقادر مراغی به قلم خودش؛ معرفی یک سند، همراه با یادداشتی مقدماتی /

علی فردوسی ۱۲-۱۷

گزارش برگدال از کشف و استرداد نسخه‌های خطی مسروقه کتابخانه سلطنتی / محمدصادق

میرزا ابوالقاسمی ۱۸-۲۲

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده کاغذ ابری / علی صفری آققلعه ۲۳-۳۶

حذف حرف عطف و یکی از ساخت‌های نامأنوس دستوری در شعر کهن / مسعود راستی‌پور ۳۷-۴۱

شاهنامه فردوسی در بافت عصر غزنوی / آ.سی. اس. بیگاک؛ ترجمه: حمیدرضا حکیمی ۴۲-۵۶

فارسی یهودی کهن در میانه فارسی میانه و فارسی دری کهن؛ بازآزمایی یک فرضیه مشهور / لودویگ پاول؛

ترجمه: ستایش دشتی ۵۷-۶۳

کاتب نسبت خرقه شاه‌نعمت‌الله ولی در المشیخه‌خاندان حتمی یزدی / محمدرضا ابوبی مهریزی ۶۴-۶۸

برگی از تاریخ (۲)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) / محمدجواد جدی ۶۹-۷۱

پرده ماده یا پرده یاده؟ / یاسر دالوند ۷۲-۷۳

ثبت کتیبه‌های حکومتی فرهادمیرزا معتمدالدوله در ولایت کردستان / جواد ددهجانی ۷۴-۷۹

تیتی و میتی / ایمان منسوب بصری، حسن زیاری ۸۰

چهارپاره / علی صفری آققلعه ۸۱-۹۴

طاق گز؛ جای‌نامی در خسرو و شیرین نظامی / علی کریم‌زاده ۹۵-۹۶

نقد و بررسی

بررسی انتقادی تصحیح کفایة الطّب حبیبش تغلیسی / عرفان‌جوینة بهروز ۹۷-۱۱۷

چند انتقاد واجب از فصل دوم کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۱۸-۱۲۲

باز چاپ پرتوستان یا مصداقی برای خورشید به گل اندودن / محمدابراهیم ایرج‌پور ۱۲۳-۱۳۳

نگاهی دوباره به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار (بخش شیراز و نواحی آن) / مرتضی موسوی ۱۳۴-۱۴۱

ملاحظات در فهرس جدید کتابخانه ملی ایران / مصطفی درابنی ۱۴۲-۱۵۳

توضیحاتی درباره دیوان منوچهری به تصحیح سعید شیری و بازنگری در تصحیح برخی ابیات

منوچهری / راهبه آبادیان ۱۵۴-۱۶۶

چاپی نه در خور متن از متنی نه در خور چاپ! / علی شاپوران ۱۶۷-۱۷۴

از کشفیات در اشعار کسایی تا سرقات از یافته‌های ریاحی! / محسن شریفی ضحی ۱۷۵-۱۸۰

تکمله‌ای بر مقاله «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی» / سلمان ساکت ۱۸۱-۱۸۲

تصحیح و بازخوانی عباراتی از جواهرنامه نظامی / اکبر حیدریان ۱۸۳-۱۸۶

فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه و مرکز اطلاعات آکادمی علوم مجارستان / مزده محمدی ۱۸۷-۱۹۰

پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۳) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۹۱-۱۹۸

ایران در متون و منابع عثمانی (۱۷)

زندگی و آثار خورشیدپاشا / نصرالله صالحی ۱۹۹-۲۰۱

درباره نوشته‌های شمشین

درباره «ولادت خواجه به روایت خواجه» / لیلی وهرام ۲۰۲-۲۰۷



۷۸ - ۷۹

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دوره سوم، سال دوم، شماره یکم و دوم بهار - تابستان ۱۳۹۶ [انتشار: زمستان ۱۳۹۷]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ

نقره‌آبی

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۱۵۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: انجامه دستنویسی از ترجیع‌بند جامی (نسخه W651 موزه هنری والترز، نستعلیق ممتاز محمدزمان التبریزی، مورخ ۹۹۸ هجری)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

اندازه نامه ۱۲/۵ در ۲۰/۵ سانتیمتر است که در گذشته قطعه‌بندی مناسبی داشته و این امر سبب حفظ اصل نامه شده است، هرچند خود این قطعه‌بندی و تذهیب روی آن در گذر زمان آسیب فراوان دیده و اینک شرایط مناسبی ندارد. متأسفانه تاریخ و حتی مخاطب نامه بر ما روشن نیست و تنها حسنعلی خان گروسی انتهای نامه را باجمله «مخلص ارادتمند دبیرحضرت است» به پایان برده، که شاید بتواند روشنگر نام مخاطب و نیز پاره‌ای از ابهامات تاریخی باشد. در ۱۳۱۸ ق، دو نفر از رجال عهد مظفرالدین شاه لقب دبیرحضرت را همزمان دارا بوده‌اند:

۱. میرزا محمودخان مستوفی، ملقب به دبیرحضرت

۲. اسماعیل دبیرحضرت

امیرنظام در این نامه هم، همچون دیگر نامه‌ها و دل‌نوشته‌های خود، از ابیات زیبایی سود برده که شاعر برخی از آنها بر ما روشن و برخی دیگر نامعلوم است، و احتمال دارد برخی ابیات از خود او باشد. در این نامه ابیاتی از سعدی با تغییرات زیبا و قابل تأمل و دو بیت هم از ملاصدرا به فراخور موضوع مورد استفاده قرار گرفته است و امیرنظام مخاطب خود را در تصمیم ازدواج تشویق و ترغیب نموده است.^۱

متن نامه

فدایت شوم

گرامی نمیقۀ انیقۀ مودت طریقه که برای بهجت خاطر بهترین وثیقۀ است واصل و موجب انبساط قلب و نشاط خاطر گردید. خاصه ارسال خاتم که به علامت ملاطفت مُدغم است، ودیعه منیعه و یادگار رفیعه بود و کسب میمنت نمود.

روزگارت همه خوش باد که بی دیدن تو

روزگار و سر و کارم همه ناهموار است

در باب خیال ازدواج که رفیع‌ترین منهج شریعت است، مایه ابتهاج گردید، انشاءالله مبارک و میمون و به سعادت مقرون

۱. از دوستان گرامی جناب دکتر رضا کسروی برای ارائه اطلاعات درباره لقب دبیرحضرت و نیز از جناب مهندس علی یوسفلوئی که زحمت تایپ مقاله را متقبل شدند سپاسگزارم.

برگی از تاریخ (۲)

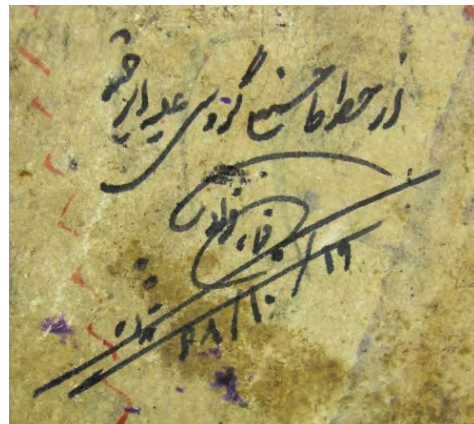
معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام)

محمدجواد جدی

پژوهشگر و نویسنده حوزه مهرشناسی و خوشنویسی
mj_jeddi@yahoo.com

مقدمه

نامه‌ای که اینک در صدد معرفی آن هستم از معدود برگ‌های ارزشمند تاریخی است که به جهت مضمون روان، خط شکسته نستعلیق تحریری زیبا و نیز نثر قوی و گاه مسجع آن همواره مورد توجه و علاقه ویژه‌ام بوده است و سال‌هایتمادی آن را در مجموعه شخصی خود نگهداری کرده‌ام، گاه و بی‌گاه به دوستان هم‌دل و اهل ذوق نشان داده‌ام و توجه و تحسینشان را شاهد بوده‌ام. حتی به یاد دارم وقتی آن را در تاریخ ۶۸/۱۰/۱۹ به مرحوم استاد عبدالله فرادی، استاد به‌نام خوشنویسی معاصر، نشان دادم، با مطالعه آن به وجد آمدند و نگهداری آن را مؤکداً به نگارنده سفارش کردند و به یادگار پشت آن را امضاء کردند و تأیید نمودند که از خطوط حسنعلی گروسی علیه‌الرحمه است (نک. تصویر ۱).



تصویر ۱. دستخط و امضای مرحوم استاد عبدالله فرادی در پشت قطعه

خواهد بود. مخلص هم برای ملاقات شایق و وداد اشتیاق شامخ و شاهق است. هر وقت را مایل باشید مسرت ببخشید.

یارب که خجسته بادت ایام
یارب که سعادتت قرین باد

بدانید و آگاه باشید که مرقومه شریفه را حرز جان ناتوان نموده‌ام؛

امروز مبارک است فالم
کافتاد نظر بر آن کتابم^۱

مرقوم شده بود که با وجود زهد و قدسی که در وجود شریف است، این اوقات دوستان شریعت دوست جنابعالی را به عشق‌بازی و یارگدازی تحریص و ترغیب می‌نمایند. چه عیب دارد؟ در جایی که سوره مبارکه یوسف علیه السلام احسن القصص خوانده شده، تبرّای جنابعالی از این معنی صورتی ندارد. مگر باید تمام عمر از ناکرده توبه و استغفار کرد؟ کاری نکرده و کسی را نکشته، مگر به سمع شریف نرسیده که:

آنجا که عشق خیمه زند جای عقل نیست
غوغا بود دو پادشه اندر ولایتی^۲

بنده عرض می‌نمایم:

آنجا که عشق دست تطاول دراز کرد
معلوم شد که عقل ندارد کفایتی^۳

۱. غزلهای سعدی، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۵: ص ۱۶۶ («جمال» به جای «کتابم»).

۲. همان: ۱۰ (مصراع اول: فرمان عشق و عقل به یک جای نشوند).

۳. از همان غزل («زان گه که» به جای «آنجا که»).

البته می‌دانید:

آنانکه غم عشق گزیدند همه
در کوی شهادت آرمیدند همه
در معرکه دو کون فتح از عشق است
با آنکه سپاه او شهیدند همه^۴

با این همه اکثر معشوق‌ها دودل می‌شوند. یک وقتی در جواب نگاری نوشته بودم،

من و جورت که مخصوص من است این مرحمت ورنه
چه کار آید مرا لطفی که با اغیار هم داری

او هم در جواب گفته بود:

به قربان غمت گردهم که یک دل دارد و کافی
به قربان سرت گردهم که یک سر دارد و وافی
غمت مشکل به یک دل گنجد و این مشکل دیگر
که من بر خود نمی‌بینم به جز یک دل دیگر

بالاخره

فرق‌ها شد در میان آدمی تا آدمی
کز یک آهن نعل سازند از یکی دیگر سنان

زیاده زحمت نمی‌دهم و این ترنمات را به ذوق مسرت جنابعالی تحریر نمودم.

مخلص ارادتمند دبیر حضرت است

۴. از صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی ملاصدرا (مصراع اول: «ره دوست» به جای «غم عشق»؛ مصراع چهارم: «هر چند» به جای «با آنکه»).



